**«باسمه‌تعالی»**

|  |
| --- |
| صورت‌جلسه خانواده نرم- 990710با موضوع شفافیت آرای نمایندگان مجلس |
| زمان | 13:50 تا 17 |
| حاضران | آقایان: عرب حسینی، طاهری نژاد، سید سجاد موسوی، محمدرضا علیزاده، فرزاد حجتیان، علیرضا سیفی، مجتبی صفاری نیا، حمید دهقانی، مرتضی گرجی زاده، عظیم زاده، محسن محمدی، حبیب ظرفیان، مسعودی، ثنایی، یخچالی، رسول سلیمانی، حاجی زاده، محجوبیان، محمد نوری، عیوضی، طاهریان، نیکبخت، بقایی، نعمتی، اشعری، رعنایی، پرنیان، مرادی و صابر میرزایی |
| ارائه دهنده‌ها و موضوع ارائه | * بحث پیرامون شفافیت آرای نمایندگان به صورت مناظره‌ای توسط تعدادی از حاضران
 |
| دبیر جلسه | آقای نیما عرب حسینی |

در این جلسه موافقان و مخالفان طرح شفافیت آرای نمایندگان به نوبت در زمان مشخص نظرات خود و انتقادها یا موافقت‌هایشان نسبت به این طرح را مطرح می‌کردند. جلسه تا حد خوبی به صورت مناظره‌ای برگزار شد. در این جلسه البته به صورت مختصر ارائه فن‌آوری نرم که در جلسه پیش ناتمام مانده بود، توسط آقای عرب حسینی ادامه داده شد. این ارائه، در جلسه‌های بعد نیز ادامه پیدا خواهد کرد. در ادامه مشروح بحث‌های مطرح شده در جلسه ارائه می‌شود.

1) آقای پرنیان (مخالف)

شفافیت آرا ادعای نمایندگان جدید مجلس بود. خصوصاً نماینده‌های پایتخت. این چالشی‌ترین موضوعی است که با آن برخورده‌ایم. آن هم نقش مردم در حاکمیت است. این که چقدر آن‌ها را درگیر کنیم. نقطه بهینه درگیر کردن مردم چقدر است؟ این باب سؤال در این باره باز شده است. این طرح، پاسخ‌گویی نماینده‌ها را افزایش می‌دهد. نقد: شفافیت آرا باعث عوام‌گرایی می‌شود. نماینده یک طوری رأی می‌دهد که مردم خوششان بیاید. بعد این که مجلس تحت اراده اصحاب قدرت و سیاست قرار می‌گیرد. بعد این که عمده موضوعات که نماینده‌ها رأی می‌دهند کارشناسان خیلی درک نمی‌کنند. این موضوعات تخصصی قابل درک نیست، ذی‌نفعان خاص روی یک موضوع خاص تمرکز می‌کند و سعی می‌کند منافع خود را دنبال کند حال آن که در مورد آن موضوع خاص مردم درکی ندارند. به نظر می‌رسد این طرح قابل بازگشت نیست. موضوع، موضوع خیلی مهمی است. این، زاویه و مسیر نماینده‌ها را تغییر می‌دهد و از طریق آن مجلس و نماینده را تغییر می‌دهد. این کار نماینده شفافیت است، مردم همین را کل شفافیت می‌دانند. اگر زمین بخورد خیلی بد می‌شود. آیا واقعاً رشد جامعه رقم می‌خورد؟ این سؤال خیلی اساسی است. هزینه‌های سنگین می‌دهیم و به آن چیز که می‌خواهیم نمی‌رسیم. فضای عمومی این است که شفافیت هر چه بیشتر، بهتر این یک آسیب است. حد مطلوبیت شفافیت باید مشخص شود. این طور نیست که هر چه بیشتر شود بهتر است. بعد این که باید جایگاه شفافیت مجلس را مشخص کرد. مجلس ماقبل این حرف‌ها است. سازوکار برای اعلام وصول طرح نداریم. شفافیت خیلی کم است این طرح خیلی خفن و پیش رو است. چند روزی بود که طرح به ما رسید که متن نداشت فقط مقدمه بود. با وجود اهمیت طرح اما دقت کافی برای آن نشده است.

2) آقای محمدحسین مرادی (موافق)

من حدود 90 درصد بحث‌های آقای پرنیاین را موافق هستم. مسئله اصلی در ماجرای شفافیت این بود که گروه‌هایی خواستند در مورد مجلس کار کنند اما هیچ اطلاعاتی در این باره نبود. ثبت، بررسی و تحلیل داده حداقل‌های تصمیم‌گیری است. شفافیت در این دوره خیلی ضعیف است. مجلس از دو قوا کوچک‌تر و غیر تخصصی است. شفافیت در مجلس خیلی کم است. چون درگیری منافع است. ما برای تصویب و اجرای شفافیت اقدام کردیم. برای بررسی و ارزیابی مجلس به شفافیت آرا نیاز داشتیم. این مقدمه‌ای برای دست‌یابی به شفافیت بود. بعد از این کمیسیون، صحن، لوایح و ... منظم شود. ما از شفافیت آرا یک شیر درنده ساخته‌ایم حال آن که گربه است. الآن دوتا نماینده در سایت شخصی خود رأی‌های خود را اعلام می‌کنند و اتفاقی نمی‌افتد. آقای نجابت و خاندوزی. اصل بر شفافیت گذاشتیم بعد هر جا که نیاز بود بدون هزینه «بدون این که اسم 15 نفر مشخص شود، رأی را محرمانه می‌کنند. این طرح‌ها و لوایح چرا درست اجرا نمی‌شود؟ چون نقطه اصلی درست نمی‌شود. وقتی مجلس شفاف نیست بقیه جاها نیز شفاف نمی‌شود. شفافیت آرا در جاهای دیگر دنیا هم مطرح است و چیز خفنی نیست. می‌گویند نماینده عوام فریبی می‌کند، و این که شیر نیست. حساسیت ایجاد نمی‌کند. به نظرم در این رابطه نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم. تجربه جهان در این رابطه بسیار متفاوت است و نمی‌توانیم نظر دهیم. تجربیات جهانی خیلی افق خاصی به ما نمی‌دهد. ما حزب نداریم، هنجارهای داخلی مجلس را نمی‌دانیم. با توجه به این که ما تجربه شفافیت در مجلس یکم را داریم، شهید بهشتی می‌گوید رأی گیری و علنی یکی است که در قانون اساسی آمده است. الآن گزارش مبسوط اصلی مجلس نیست، حذف شده است. واقعاً این طرح غوغا نمی‌کند، نمی‌ترکاند. اگر آقای رائفی پور و پناهیان نبودند هیچ وقت این طرح آنقدر همه‌گیر نمی‌شد. به نظر بنده جامعه مدنی در کشور ما ضعیف است. حال فرض کنید جامعه خوب و خفنی داریم اینجا تازه شبهه عوام فریبی مطرح می‌شود. سابقه این کار بوده، بدیهی است نمی‌توان خود و بد کرد. یکی مسئله دینی است، بحث فقهی و حقوقی است. موکل نمی‌تواند چیزی را از وکیل پنهان کند. در بحث بنزین ما به هزینه اجتماعی توجه نکردیم. اصل مسئله شفافیت برای اقناع مردم است. ما از طریق رسانه و اینفلوانسرها اثر بگذاریم.

3) آقای عیوضی (مخالف)

رفقا ادله خود را نمی‌آورند. ما طرح‌هایی داریم که باعث آسیب ذی‌نفعان شده است. شما دلیل خوب نمی‌آورید. این طور نیست که ما چیزی پنهان نمی‌کنیم. پنهان می‌کنیم ولی دروغ نمی‌گوییم. این که نشد دلیل روایی سیره این شکلی بوده و ... درست نیست. این که شهید بهشتی این حرف را زده یا درست نگفته یا نظر دیگری داشته. این دلیل نمی‌شود که جمله شهید بهشتی فلان حرف را زده است شاید منظور دیگری داشته است. شفافیت زمینه اعمال فشار و خرید رأی را فراهم می‌کند. خصوصاً نماینده‌های شهرهای کوچک بسیار تحت تأثیر دولت هستند. اگر شفافیت شود نماینده‌ها حتی در مقابل BBC هم باید پاسخ‌گو باشند. هزینه اتخاذ این تصمیم‌ها درباره تک تک افراد مجلس افزایش می‌یابد. باید اثبات کنیم این تغییر ما را از وضعیت فعلی به وضعیت بهتر می‌برد. این باید بیاید.

4) آقای نعمتی (موافق)

هفتاد درصد نماینده‌ها هر دوره عوض می‌شود و نگران نشوید. در مجلس دوره به دوره وضعیت بدتر از دوره قبل است. این آسیب‌های مجلس اصلاً در دوره‌های اول و دوم و سوم مطرح نبود. سطح نماینده‌ها افت کرده است. جمهوری یعنی احساس مشارکت در حاکمیت. من یک چیز می‌دانم درست است حق ندارم اجرا نکنم مگر این که بتوانم مردم را همراه کنم. اگر مردم حس مشارکت را نداشته باشند الزامی برای مشارکت ندارند. حکومت پهلوی مشکلات اقتصادی کمتری داشت نسبت به الآن. ما دوست نداریم حکومت ما با پایین آمدن کارایی‌اش کنار گذاشته شود. ما نباید کاری کنیم روح مسائل مغایر با قانون اساسی باشد. تعدادی از نخبگان در مورد صندوق بازنشستگی به یک نتیجه رسیده‌اند نه همه آن‌ها. سال 89 که بنزین گران شد، دو پمپ‌بنزین آتش گرفت. افزایش قیمت دوم در سال 98 بسیار بدتر بود و کلی هزینه برای کشور داشت. پارادایم اصلی این است که همه چیز مخفی است مگر این که بر خلافش اثبات شود ما برعکس می‌گوییم، پارادایم بر شفافیت است مگر این که خلافش ثابت شود.

5) آقای موسوی (مخالف)

من که درگیر شدم دیدم مجلس به قهقرا می‌رود. الآن یکی دو نماینده می‌گویند هیچ فشاری نبوده این اتفاق بدتر است. یعنی ذی‌نفعان استفاده‌کننده نه مردم. نکته دیگر این که هر کسی به یک دلیلی رأی می‌دهد برای خودش، استدلالی دارد. اصلاً از این خروجی نمی‌توان استفاده کرد مگر برای خرید رأی‌ها. ما نمی‌توانیم تحلیل در بیاوریم. یکی از چیزهایی که در این طرح نیست منافع افراد است. درآمد و دارایی و ... نماینده‌ها اصلاً مطرح نیست. استقلال نماینده‌ها کامل از بین می‌رود. الآن نماینده‌ها تحت فشار هستند حرفی نمی‌زنند. اما رأی به چیز دیگری می‌دهند. می‌گوید حرفم برای بنده خدا و رأیم برای خدا بوده است. کاری که برای بنزین انجام شد دوره احمدی‌نژاد توضیح داده شد این دور روحانی توضیح نداد و ربطی به شفافیت ندارد. در مجلس صحن بحث عادی بوده است، دوربین که آمد عوض شد. پول تبلیغات نماینده دهنده‌ها بسیار نفوذ دارند و در تصمیم‌ها بسیار اثر گذار هستند و آخر این که جلسه‌ها به صورت غیر علنی پیش رود.

6) آقای ثنایی (موافق)

مهم‌ترین اتفاق این است که تکلیف در مورد ماهیت طرح شفافیت آراء خیلی اهمیت دارد. ما در مورد کدام شفافیت صحبت می‌کنیم. نمی‌توان مطلق موافق یا مخالف بود. فرض کنیم اصل بر شفافیت باشد و بعد نماینده‌ها نظرشان بر محرمانه باشد و محرمانه باشد آن وقت رأی‌ها محرمانه می‌شود. چه کسی گفته است که شفافیت مطلق است؟ وجود ندارد. خود ما حامی مستثنا شفافیت هستیم. دیگر این که مطرح‌شده غیر قابل بازگشت است. یک ایده این است که «شفافیت در ایران» کاری با طرح شفافیت رأی‌ها نشده است.

7) آقای نوری (مخالف)

این فرض شما تا حدی می‌تواند دغدغه ما را حل کند و در عین حال طرح را اخته می‌کند. شفافیت آراء باید مشخص شود که در این موارد خاص نمی‌تواند شفاف باشد. این طرح محل تقابل نیست. ما چطور می‌خواهیم ظهور مردم در حاکمیت را داشته باشیم؟ درگیر کردن اراده مردم دو طرف طیف است. من خودم تردید دارم که این طرح نه خیلی مفید و نه خیلی مضر. سریع و به راحتی می‌تواند اخته شود.

8) آقای اشعری (مخالف)

در ذهنم نقش مردم در حاکمیت مطرح شده است. به نظر من اسلام با جفتشان موافق نیست. یک رابطه چوپان و گوسفند است. این دیکتاتوری است. یک ادبیات این است که مردم سرور هستند و حکومت نوکر این هم درست نیست. درست این است که ولی نظر خود را اعلام کند مردم قبول کنند یا نمی‌کنند. مشورت خارج از بحث است. بحث دیگر این است که اگر نظر مردم را می‌خواهید بپرسید از ریز جزئیات نپرسید. اگر شفافیت آرا اتفاق بیافتد انگار که از آن‌ها رفراندوم می‌گیریم. در مورد تأسیس فرودگاه همه مردم رأیشان بی‌فایده است غیر از نماینده آن شهر.

9) آقای محجوبیان (موافق)

مردم در جاهای مختلف حکومت دارند انتخاب می‌کنند. مردم باید قانون‌گذار انتخاب کنند نه چیز دیگر. در واقع مردم بر مبنای شعار رأی می‌دهند. بهتر است این کار بر مبنای عملکرد انجام شود. وقتی ندانید که عملکرد نماینده چه چیز است، انتخاب سخت می‌شود. این عوام‌گرایی در کوتاه مدت آسیب دارد و در نهایت در بلند مدت منجر به رشد می‌شود.

10) آقای نعمت زاده (مخالف)

می‌گویند با شفافیت، مجلس کاراتر می‌شود. این ارتباط مشخص می‌شود. طرح‌ها در نظر من این دسته‌بندی را دارد. 1) طرح‌های مهم برای عموم جامعه، 2) طرح‌های غیر مهم در مورد عموم جامعه. قانون کشتی‌رانی یک نمونه است که برای مردم مهم نیست. این‌ها در واقع طرح‌هایی هستند که قابل خرید و فروش‌اند. طرح‌های مهم برای مردم دو دسته است. 1) جایی که حس منفعت با حقیقت منفعت تطابق دارد این شفافیت خوب است. 2) جایی نیز حس منفعت عمومی با حقیقت آن همراه نیست. اینجا شفافیت مناسب نیست. مجلس غیر شفاف قبلی سه بار به گرانی بنزنی رأی منفی داد. الآن که شفاف شده است، دیگر امکان ندارد. گفتند که رأی شفاف شود که ما بتوانیم ارزیابی عملکرد کنیم. این درست نیست. چون گاهی رأی با عملکرد هم خوانی ندارد. نکته دیگر این که 80، 90 درصد طرح‌ها مهم نیست برای مردم. بعد از مدتی نماینده‌ها نسبت به این بی توجه می‌شوند.

11) آقای طاهر نژاد (موافق)

بالاخره مردم باید در حکمرانی وارد شوند و نقش بازی کنند چون مسئله رشد و فهم مردم نسبت به حکومت داری متفاوت است. امام رحمت‌الله علیه، بنی‌صدر را کنار زد که مردم به رشد و فهم و درک برسند. یا برجام هم همین طور است. اگر از زاویه رشد نگاه کنیم می‌توان کارکردهای مختلف را در نظر بگیریم. فهم مردم را بنا بر نظر حضرت آقا قبول دارم. تاریخچه مجلس فعلی را بررسی کنیم. در مجلس فعلی هم خیلی حرکت‌های پوپولیستی و مردم گرایی هست هرچند شفافیت آرا نیست.

12) آقای رعنایی (مخالف)

حضرت آقا در مورد مطرح نشدن بحث‌های تخصصی در تلویزیون صحبت کرده‌اند. بعد این که شما نماینده را در چالش سیاست زدگی قرار می‌دهید و در این بین مردم و نفع جامعه رقم نمی‌خورد و یک عده محدود ذی‌نفع مزیت می‌برند بعد جایگاه و مزیت حکمرانی خراب می‌شود.

13) آقای سیفی (مخالف)

اگر دنبال رشد جامعه هستیم باید شرایط مهیا باشد. این که علت پیروزی انقلاب مشکل اقتصادی بود درست نیست. دیگر این که سطح مجلس‌ها کاهش پیداکرده را باید شفاف‌تر و واضح‌تر بگویید. بعد این که شعور نماینده‌ها کم شده است که لزوماً نباید از این راه آن‌ها را اصلاح کنیم.

14) آقای بقایی (موافق)

شیوه قانون‌گذاری را به صورت شورایی ارائه کنیم. این بحث شفافیت بستری برای پاسخ‌گو کردن مجلس است. شفافیت بستر ایجاد پاسخگویی است. شفافیت آرا مثل پل است. تا این شفافیت آرا نباشد شاید نشود بقیه برنامه‌ها را اجرایی کرد.

1) آقای پرنیان (مخالف)

شفافیت آرا موجب دشوار شدن اصلاحات حتی می‌شود. ذی‌نفع‌ها زورشان سر مسائل تخصصی بیشتر می‌شود. مردم هجوم نمی‌آورند بلکه ذی‌نفع‌ها هجوم می‌آورند. شما استدلال می‌کنید 15 نفری که به شفافیت مخالفت می‌کند بعد از این که 51 درصد به شفاف رأی مثبت دادند آبرویشان می‌رود. نماینده‌هایی که طرح‌هایی می‌آورند که مورد توافق صحن قرار نمی‌گیرند بایکوت می‌شوند. مثل همین جریان دنا که علناً توسط دیگران کنار گذاشته شده‌اند. این دینامیک اتفاقاً سمت عدم اصلاح می‌شود. دیگر این که در همه پارلمان‌ها شفاف شده است. اگر درست هم باشد حجت نیست و دیگر این که نوع شفافیت هم مهم است. طیف دارد از کلاً غیر شفاف در کشورهای پیشرفته تا شفاف. و این که این طرح مجلس سر انتهای طیف شفافیت است. برخلاف نظر دیگران که معتقد هستند این گربه است، به نظر من این شیر است. خیلی هم شیر است. چون دینامیک رأی دادن را تغییر می‌دهد. پس تبدیل می‌شود به مجلس ورژن جدید. وقتی بحث‌های خیلی بدوی‌تر و پایه‌ای‌تری داریم که اینجا معنا نمی‌گیرد. بدیهی بودن شفافیت و لزوم آن را درک نمی‌کنم. باید در جای خود تعریف شود. عدم شفافیت بین قوا قابل بحث است. استاندار چهار محال و بختیاری استاندار بود بسیار قدرتمند بود حالا که نماینده شده است، جایگاهش پایین آمده است. این که می‌گویند در کوتاه مدت ضرر داشته و در بلند مدت حل می‌شود من موافق نیستم. اتفاقاً در بلند مدت آدم‌های شوتر و سطحی‌تر و سیاسی‌تر وارد می‌شوند. و این که تا کجا می‌توان از نظر مردم استفاده کرد. بحث‌های تخصصی را نمی‌توان به بحث گذاشت و این که مسیر رسیدن شفافیت به کارایی منطقی نیست. این که سیره امام و آقا همراه کردن مردم بود و مثال در مورد برجام را قبول دارم اما می‌گویم محل استفاده این کجا است؟ این در مورد یک مسئله و نتیجه قابل طرح است. برای مثال در موضوع بنزین حضرت آقا حمایت می‌کند. شفافیت آرا فردا مسئله بنزین را به چیپس و پفک می‌کشاند. خلق پول منجر به تورم می‌شود. وام زیاد در بلند مدت به تورم منجر می‌شود. وام مسکن هم همین طور است. همه چیز شفاف است و همه تأیید می‌کنند غافل از این که تورم بلند مدت همه چیز را خراب می‌کند.

2) آقای محمدحسین مرادی (موافق)

باید با فساد مبارزه کرد. یک بخش آن شفافیت است. ما گفتیم که اگر شفافیت ایجاد کنیم می‌دانیم مبارزه با فساد می‌کند. من رشد مردم را قبول می‌کنم این مشروط بر این است که مردم و حقوق آن‌ها را قبول کنیم. ما طراحی کردیم که در این میان شفافیت آرا نقشی کلیدی داشت. بخشی از ذی‌نفعان ما هستیم و این همه قدرت که بحث را مطرح کرده‌ایم. ما یک چیز را مشخص کنیم: اصل این است که نماینده بد است یا خوب، جاهل است یا عاقل. از نظر من باید مبنا را بر جهل و خرابی مردم بگذاریم. آدم‌های سالم و درجه یک دچار تخلف و به هم ریختگی می‌شوند. مجلس آسیب‌زا است. ابزاری بسازیم که همه اثر بگذارند. من که چند سال کار می‌کنم در مجلس فکر می‌کنم این شفافیت راه‌حل است.

4) آقای نعمتی (موافق)

این یک بهانه است برای گفت‌وگو کردن و رسیدن به یک نتیجه. محملی برای بحث و گفت‌وگو است. خیلی خود بحث مهم نیست. بحث‌ها: 1) میزان فساد نماینده‌ها، 2) کیفیت قوانین مصوب شده، 3) سال 89 معلوم شد چه کسی موافق و چه کسی مخالف بود با گران شدن بنزین. نظر آقای احمدی‌نژاد مشخص بود ولی سال 98 نظر آقای رئیسی مشخص نبود. آدم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند بدون این که به نفع یا ضررشان باشد. نماینده‌ها با آمدن دوربین نظرشان عوض شد، این به خاطر نبود دوربین در زمان‌های دیگر است. اگر همیشه باشد تغییر رفتار نداریم.

5) آقای موسوی (مخالف)

شفافیت آرای نماینده‌ها تأثیری در نظر مردم ندارد. رفراندوم بیشتر ابزاری سیاسی است. از ده نفر، سه نفر مخالف می‌شود. از این بین یک نفر مخالفت می‌کند که رسانه‌ها له می‌کنند آن‌ها را. رسانه‌ها دست اصحاب قدرت و ثروت است نه مردم. صداوسیما، سلبریتی، فارسی، بی بی سی و ... صاحب دارد. لزوماً قرار هم نیست که حکومت با خواست مردم باشد. تشکیل حکومت با خواست مردم است ولی ماندگاری آن دیگر گیر نظم مردم نیست. نماینده‌ها واقعاً آدم‌های ضعیفی هستند، این طور نیست که نماینده‌ها اهل جنگیدن و پایداری باشند. همین حالا من نمی‌توانم در مورد رأی‌ها قضاوت کنم برای خودشان مهم است. من نمی‌توانم تحلیل کنم.

15) آقا صابر

آقای طاهر نژاد برای مسئولیت گروه فن‌آوری نرم و بیانیه گام دوم حکم خوردند. فرمایشات حضرت آقا حفظه الله خط و خطوط را مشخص کرده است. همه ما هم به اندازه خودمان برای آن تلاش می‌کنیم. بالاخره مردم ما خیلی سر این موضوع به زحمت افتاده‌اند. این مشکلات ما هم اگر ریشه‌یابی کنیم به مسائل بین‌الملل و سیاسی می‌رسد. در سطح بین‌الملل هم می‌ترسند که ایران محور کشورها شود. انشاء الله ما تمدنی بر پایه عدالت بسازیم نه ثروتمندتر شدن. ثروت مشکلات را کم می‌کند ولی مشکلات اصلی ما در روابط درونی خود ما است. آنچه خداوند ثروت قرار داده است فوق‌العاده زیاد است. یک جزیره‌ای که خالی خالی باشد آفتاب تنها داشته باشد می‌تواند همه چیز را داشته باشد به شرطی که فن‌آوری پیشرفته را به کار بگیرند. ما خوشحالیم که به بحث واقعی می‌پردازید. این متأسفانه خاکستری است منافعی دارد و اشکالاتی هم می‌تواند داشته باشد. خب سعی می‌کنیم بحث‌های تکراری را مطرح نکنم. سعی می‌کنم مباحث دیگر را مطرح کنم. به باور من اختلاف‌ها سه منشأ دارد: 1) عقلایی که این نیاز به بحث دارد: اینجا اگر منشأ آن نظری و عقلی است و باید از این راه‌حل شود. 2) گاهی اختلاف‌ها عاطفی است و باید در این راه بحث شود و از دل هم در بیاورند. 3) گاهی منشأ انگیزشی دارد. این با بحث درست نمی‌شود. در جماعت سیاسی هم خیلی بحث کارشناسی کردن خیلی تصور آن را نداریم. این‌ها در یک شرایط برای تصمیم گرفتن قرار می‌گیرند. کشتی بدون سکان دارند. جریان‌های قوی این‌ها را حرکت خواهد داد. ما می‌گوییم این موتورسیکلت‌های قدرتمند را اگر جمع کنند کیف قاپی و تصادف و ... را کم می‌کند. شما می‌گویید که آمار این حرف کجا است. فرد سیاسی می‌گوید نفع من از این چه چیز است؟ بعد یکی می‌آید مخالفت می‌کند و جار می‌زند که این طور نیست. بحث عقلایی نیست. فرد نفع خود را می‌بیند. هرچه که بود موافقت یا مخالفت می‌کند. در مورد جمع کردن موتور. برای این مجلس خیلی خوب رفته است. یک شیوه ساده تصمیم‌گیری، رأی گیری است. بشر گاهی به یک دو راهی می‌رسد. ما اینجا از مواهب شفافیت سود می‌بریم و از ضررهایش دوری کنیم. گاهی یک چیز خودش ضرر می‌شود. آقای ایزدخواه بحث ساده‌ای را شفاف کرده بود و باعث شد که کنار گذاشته شود. بعضی چیزها وقتش نیست. برای بعضی چیزها باید صبر کرد. فاتح قاره آمریکا قرار بود پادشاه شود. قرار بود نظام پادشاهی برقرار شود. این پادشاه اما با خودش گفت اگر من پادشاه شوم می‌گویند پادشاهی را برای خودش می‌خواهد. می‌گویند این جنگ را راه انداخته برای خودش. گفت جمهوریت را راه می‌اندازم که تاریخ در مورد ما خوب قضاوت کند. با این حال جمهوریت راه نیافتاد و جنگ داخلی شکل گرفت. در مورد توبه‌نامه دادن به منافقین و نظر حضرت آقا همین جریان هست. در آن ایام منافقانی که در زندان بودند به امید تغییر رژیم، توبه‌نامه‌ای که به فرمان حضرت آقا به آن‌ها داده شده بود را قبول نکردند و آخر کار اعدام شدند. خود غربی‌ها شاید مجلسشان را قطع کنند. این مجلس برای ما هم دردسر شده است. این طرح شفافیت اگر می‌تواند که هیچ ولی اگر نمی‌تواند باید جلویش گرفته شود. این طرح آسیب‌هایی دارد، منافعی هم. این حرف شخص من است. این فرمول برای ما زود بود ما باید شفافیت را به یک جاهایی می‌رساندیم. آن زمان مثل یک چیز مقدسی شکل گرفت. باید به گونه‌ای آن را ارائه کنیم که کسی با آن مخالفت نکند. کسی که طرح کد ملی را مطرح کرد، رئیس سازمان برنامه و بودجه، گفت اگر من اسم کد ملی را مطرح کنم تظاهرات می‌شود. عوض آن گفت کارت ملی می‌دهیم. نماینده در سطح درک مردم حرف می‌زند نه در سطح نخبگان. کنترل مالی مردم اگر درست مطرح شود کسی اعتراض نمی‌کند. خلاصه بحث ما این است که فساد به طور کلی مانع توسعه کشور است. یکی از مهم‌ترین راه برخورد با آن شفافیت است. قبلاً دموکراسی و رسانه بود و افکار عمومی مدیریت می‌شد اما حالا دیگر این کار سخت است. برای این می‌گوییم با قشر خاکستری مواجه هستیم. هم مزیت دارد هم عیب. این موضوع اصلاح کشور با شفافیت نماینده خوب است اما برای حل نه. مردم عدم تبعیض را می‌خواهند، نخبگان تبعیض را. ورزش قهرمانی مزیت دارد ولی برای ورزش همگانی هزینه می‌گیرند. اصلاً بدون تبعیض نمی‌شود. حالا تبعیض را به چه کسی می‌دهیم؟ شرایطش این است که به اکثریت برسیم. اگر اثر شفافیت حال مردم را خوب می‌کند خوب است اگر حالشان را بد می‌کند، بد است. امکانات محدود است نمی‌شود به همه داد. می‌خواهید افسار را دست یک عده بدهید؟! افکار عمومی باید مدیریت شود. ما باید کاری بکنیم. باید سمت مجلس برویم. ولی هنوز در این باره کاری نکرده‌ایم. ولی وقتش نرسیده. استنباط‌های مختلفی درباره عدالت است. من هیچ مشکلی با شفافیت به طور کلی ندارم اما مسیر را باید مشخص کرد. روی این هم کار علمی‌کنیم «مجلس». چون مثل حرکت در زمین مین است. برای گام اول بیاییم بگوییم یک نماینده آرای خود را بگوید، اسپانسرهای خود را بگوید، بیشتر از این فعلاً نیازی نیست.

12) آقای رعنایی (مخالف)

قبل از شفافیت می‌توان نقش مردم در حاکمیت را مطرح کرد. در مورد شفافیت که عمیق‌تر بحث می‌کنیم. می‌گویند کشور به سمت کدام بحث برود؟ مردم چه جایگاهی دارند؟

15) آقا صابر

اگر همه ملت یک قدم بروند جلو بهتر از آن است که نخبه‌ها هزار قدم بروند و مردم ایستاده باشند. مردم همکاری نکنند حکومتی مثل ما کار زیادی نمی‌تواند بکند. می‌گویند نفری یک دبه روغن نباتی می‌خواهید یا زدن سد بختیاری؟ خب مردم این دبه روغن را انتخاب می‌کنند. نتیجه‌اش می‌شود سیل. پس همه چیز را نباید به مردم بگوییم. بچه باید یک چیزهایی بداند اما پدر و مادر همه چیزها را، همه مشکل‌ها را باید بگویند؟ نه. پدر و مادر نیت بد ندارند اما سوء مدیریت هست. مسائل انسانی ته ندارد و حل نمی‌شود.